



جیسون دمارس
خدمت حقیقت حاضر
فوریه ۲۰۱۷

عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالآباد همان است. عبرانیان ۸:۱۳

چند سال پیش، هر سه ماه یک بار نامه‌ای تعلیمی می‌نوشتم، که به زبان فارسی و اردو ترجمه می‌شد. ما شهادت‌های بسیاری در مورد مقالاتی که نوشته شد، دریافت نمودیم. از آنجا که سؤالاتی در مورد بسیاری از موضوعات و مطالب وجود دارد و همچنین تمایل زیاد به یادگیری و رشد کردن وجود دارد، این مسولیت و انگیزه را حس نمودم که بار دیگر آن را آغاز نمایم. هدف و خواست ما ایستادن در تعلیم برادر برانهم و نشان دادن واضح آن تعلیم می‌باشد. این مسولیت و کاری است که من برای آن فراخوانده شده‌ام.

نسخه‌ی ماه فوریه، سه موضوع مهم را پوشش می‌دهد:

۱. زنان واعظ
۲. حاکمیت خدا
۳. مکاشفه ۷:۱۰، پیغام‌آور دوره‌ی کلیسا در مقابل مکاشفه ۱۵:۱۱، صدای کرنا‌ی فرشته‌ی هفتم

زنان واعظ

اولین موضوعی که می‌خواهم در نسخه‌ی ماه فوریه این کتابچه به آن اشاره کنم، زنان واعظ است. در ایام و عصری که ما در آن زندگی می‌کنیم، حقوق بشر تبدیل به یکی از مسائل بسیار برجسته شده و بسیاری از پیشرفت‌های مثبت در تعاقب آن صورت گرفته است. لیکن برخی نتایج منفی نیز داشته است. یکی از آنها این است که مرد و زن هر دو، دیدشان را نسبت به نقشه‌ی خدا برای خود از دست داده‌اند. زنان جایگاه خود را در خانه ترک کرده‌اند، مردان دارای خصوصیات زنانه شده و جایگاه خود را از دست داده‌اند. تفاوتی ندارد کدام منبر و کلیسای دنیایی باشد. هر دانشجوی تاریخی باید معترف این امر باشد که اواخر قرن ۱۹ و در قرن بیستم برای اولین بار به زنان اجازه‌ی وعظ داده شد. این در واقع یک پیشرفت جدید است. بیاید با دقت چند آیه را به منظور پایه‌گذاری حقیقت کتاب مقدسی بررسی کنیم. قبل از اینکه این کار را انجام دهیم می‌خواهم اعتراضاتی را که نسبت به این آیات صورت می‌گیرد، مطرح کنم. سپس این آیات و پاسخ آنها را به شما نشان خواهم داد. اولین اعتراض نسبت به واعظ نبودن زنان این است که این یک پیمان قدیمی بوده و دلیل آن عزت نفس پایین زنان در جامعه بود. بنابراین، این صرفاً یک هنجار فرهنگی بوده و حقیقتی ابدی نمی‌باشد. اگر زنی استعداد تعلیم دادن و موعظه کردن را دارد، باید این کار را بدون در نظر گرفتن فرامین فرهنگی کتاب مقدس انجام دهد. بیاید به چند آیه که برای اثبات وجود زنان واعظ در کتاب مقدس استفاده می‌شود، نگاه کنیم.

"هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی و نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن، زیرا که همه‌ی شما در مسیح عیسی یک می‌باشید." غلاطیان ۳:۲۸

بطور واضح از این آیه استنباط می‌شود که همه مانند هم به مسیح عیسی دسترسی

دارند و همه مانند هم در حقیقت روحانی هم‌ارث هستند. به یاد داشته باشید که در عهد عتیق فقط مردان باید سالی سه بار در مقابل خدا در معبد قرار می‌گرفتند. زنان و کودکان از این امر معاف بودند. تنها مردان ختنه می‌شدند، باز هم زنان معاف بودند. در بسیاری از احکام عهد عتیق زنان نباید شرکت کرده و اجازه‌ی انجام چنین کاری را نداشتند. در عهد جدید به زنان اجازه و در واقع فرمان داده می‌شود که در این امور شرکت کنند؛ تعمید، شام خداوند، شستن پاها، دعا، مشارکت با خدا و غیره. در باب ۳ غلاطیان، پولس در مورد اینکه چه کسی می‌تواند یا نمی‌تواند واعظ شود صحبت نمی‌کند، بلکه او به دنبال نشان دادن این امر است که یهودی یا ام‌تها، مردان یا زنان، بردگان یا انسان‌های آزاد، همه به عهد خدا در ابراهیم، توسط ایمان دسترسی دارند؛ نه ختنه. این بدان معنی نیست که قومیت‌ها وجود ندارد و همچنین بدین معنا نیست که مردان، مرد نیستند و زنان، زن نیستند و نه اینکه هنوز بردگان و انسان‌های آزاد وجود ندارند. او حقیقت را انکار نمی‌کند، بلکه می‌گوید همه‌ی شما بدون در نظر گرفتن نژاد، قومیت یا جنسیت به عیسی مسیح دسترسی دارید. برای دیدن جزئیات بیشتر، غلاطیان باب ۳ را بخوانید. آیه‌ی دیگری که برای اثبات زنان واعظ استفاده می‌شود، به شرح زیر است:

"^۱ و بعد از سَبْت، هنگام فجرِ روزِ اوّل هفته، مریم مَجْدَلِیّه و مریم دیگر بجهت دیدن قبر آمدند. ^۲ که ناگه زلزله‌ای عظیم حادث شد از آنرو که فرشته خداوند از آسمان نزول کرده، آمد و سنگ را از درِ قبر غلطانیده، بر آن بنشست. ^۳ و صورت او مثل برق و لباسش چون برف سفید بود. ^۴ و از ترس او کشیکچیان به لرزه درآمده، مثل مرده گردیدند. ^۵ اما فرشته به زنان متوجّه شده، گفت، شما ترسان مباشید! می‌دانم که عیسی مصلوب را می‌طلبید. ^۶ در اینجا نیست زیرا چنانکه گفته بود برخاسته است. بیایید جایی که خداوند خفته بود ملاحظه کنید، ^۷ و به زودی رفته شاگردانش را خبر دهید که از مردگان برخاسته است. اینک، پیش از شما به جلیل می‌رود. در آنجا او را خواهید دید. اینک، شما را گفتم." متی ۲۸: ۱-۷

مریم مجدلیه و آن مریم دیگر به سر قبر آمدند، فرشتگان به آنها یک پیغام دادند و گفتند که این خبر را به ۱۱ شاگرد برسانند. حامیان زنان واعظ می‌گویند این یک مدرک واضحی است که اکنون زنان می‌توانند واعظ باشند. این امر واضح است که آنها باید رفته و می‌گفتند. کلمه‌ی خبر دادن در زبان یونانی، صحبتی از وعظ نمی‌کند، بلکه در مورد صحبت کردن یا رساندن خبر به آنها صحبت می‌کند. آیات ۸ و ۹ نیز در مورد خبر دادن صحبت می‌کنند، این آیات از اعلام کردن و خبر دادن می‌گویند. بنابراین تصویر این چنین است که زنان به مکانی که شاگردان بودند، رفته و به آنها خبر دادند. حال، این فوق‌العاده و نشان دهنده‌ی عزت بالایی است که خدا برای زنان در نظر دارد. اما این به این معنی نیست که آنها اکنون معلمین هستند، بلکه به این معناست که آنها اجازه دارند تجربیات خود را شهادت دهند و اینکه خدا همان اندازه که به شهادت مردان ارزش می‌دهد، شهادت زنان را نیز ارج می‌نهد. اما، نمی‌توانیم از یک آیه‌ی کتاب مقدس برای دور ریختن مابقی آیات کتاب مقدس استفاده کنیم. توجه کنید که پولس به تیموتائوس چه می‌نویسد و آن را با آیات متی و غلاطیان، که توضیح دادم؛ مقایسه کنید. یک هماهنگی کامل در آنها می‌یابید.

”زن با سکوت، به کمال اطاعت تعلیم گیرد.“^{۱۲} و زن را اجازت نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلط شود بلکه در سکوت بماند.“^{۱۳} زیرا که، آدم اول ساخته شد و بعد حوا.^{۱۴} و آدم فریب نخورد، بلکه زن فریب خورده، در تقصیر گرفتار شد.“ اول تیموتائوس ۲: ۱۱-۱۴

اول بیابید درون کتاب مقدس رفته، معنای واضح آنها را بیان کنیم و به این اعتراض پاسخ دهیم. به زنان گفته می‌شود که باید در سکوت تعلیم بگیرند و مطیع باشند. بنابراین زنان نباید تسلط یابند، بلکه در سکوت تعلیم بگیرند. سپس پولس می‌نویسد که اجازه نمی‌دهد زن تعلیم دهد یا بر شوهر خود مسلط شود، در زبان یونانی می‌گوید: «چیره

شدن». او نباید در مقام رهبری یا تعلیم در کلیسا قرار گیرد. کلمه‌ی «سکوت» در زبان یونانی به معنای «سکون» است. بنابراین، اینها فرامین پولس هستند که از خود او نبوده، بلکه کاملاً از طرف خدا بود.

۱. زنان باید در سکوت تعلیم گیرند
۲. زنان باید در مقام اطاعت باشند
۳. زنان اجازه‌ی تعلیم در کلیسا را ندارند
۴. زنان اجازه‌ی مقام رهبری کلیسا را ندارند
۵. زنان باید در سکوت و مطیع باشند

حال بیایید ببینیم پولس چگونه حقانیت موضوع را نشان می‌دهد. او از نقطه نظر فرهنگی بحث نمی‌کند. او می‌توانست از بسیاری از حقایق فرهنگی آن زمان استفاده کند. در عوض او از یک واقعه‌ی تاریخی و کتاب مقدسی استفاده می‌کند، امری که ثابت است و بر اساس فرهنگ، جامعه یا میزان حقوقی که یک شخص دارد، تغییر نمی‌کند. آیه ۱۳ می‌گوید: "زیرا که، آدم اوّل ساخته شد و بعد حوا." بنابراین زن نباید تعلیم دهد یا مسلط باشد، چون آدم اول ساخته شد. این یک حقیقت ابدی است. سپس او این نکته را بیشتر شرح می‌دهد و می‌گوید که آدم فریب نخورد، بلکه زن فریب خورد. ما می‌توانیم بگوییم مردان باید معلمین و رهبران کلیسا باشند چون مرد ساخته شد تا رهبری کند و زن این چنین ساخته نشد، بعلاوه زن راحت‌تر از مرد فریب می‌خورد. این ممکن است شما را ناراحت و خشمگین کند و باعث شود فکر کنید افکارم کهنه است، اما این تعلیم واضح کتاب مقدس است. این امر باعث نمی‌شود که زنان از دید خداوند ارزش پایین‌تری داشته باشند. زن با مرد ارزش برابری دارد، لیکن مردان و زنان دارای نقش‌های متفاوت در کلیسا، خانواده، و جامعه هستند.

"^{۳۴} و زنان شما در کلیساها خاموش باشند زیرا که ایشان را حرف زدن جایز نیست بلکه اطاعت نمودن، چنانکه تورات نیز می‌گوید.^{۳۵} اما اگر می‌خواهند چیزی بیاموزند، در خانه از شوهران خود پرسند، چون زنان را در کلیسا حرف زدن قبیح است." اول قرنتیان ۱۴:۳۴-۳۵

پولس به قرنتیان می‌نویسد که زنان باید در کلیسا ساکت باشند و جایز نیست که صحبت کنند. این به آن معنی نیست که آنها نمی‌توانند در نظم، از عطایای روحانی مناسب استفاده کنند، به آن معنی نیست که آنها نمی‌توانند تقاضای دعا کنند، در آن زمان‌ها دعا کنند و غیره... اول قرنتیان ۵:۱۱ می‌گوید: "اما هر زنی که سر برهنه دعا یا نبوت کند، سر خود را رسوا می‌سازد، زیرا اینچنان است که تراشیده شود." بدیهی است که زنان در کلیسا دعا و نبوت می‌کردند. این یک تضاد نیست. کلمه‌ی «صحبت کردن» در آیه‌ی ۳۴ به اصل موعظه، تعلیم یا وارد شدن در یک بحث تعلیمی اشاره می‌کند. او باید سکوت کرده و در خانه، در مورد آن با شوهر خود بحث کند.

بدیهی است که این رسول به ما تعلیم می‌دهد زن نباید در موضع قدرت در کلیسای محلی قرار گیرد یا در کلیسای محلی کلام را تعلیم داده و موعظه کند. او نمی‌تواند یک شبان یا معلم باشد و غیره. این کاری است که زنان نمی‌توانند انجام دهند. و اما یک زن چه کاری می‌تواند در خدمت انجام دهد؟

اعتراض دیگر به تعلیم پولس این است که در داوران ۴:۴-۶ در مورد دُبورَه می‌خوانیم که نبیه بوده و اسرائیل را داوری می‌کرد. همان‌طور که پیش‌تر در قرنتیان و تمامی کلیساها خواندیم، پولس به زنان اجازه‌ی نبوت و دعا در فضای عمومی را داد. لیکن نبوت کردن، همان معلم بودن یا دارای اقتدار بودن در یک کلیسای محلی نیست. اول قرنتیان ۱۴:۳۴ را به یاد آورید که پولس می‌گوید: "چنانکه تورات نیز می‌گوید..." تورات اجازه نمی‌دهد یک

زن تعلیم دهد یا در مقام قدرت یک معبد، یا تعلیم شریعت قرار گیرد و غیره. چگونه نمونه‌ی دُبورَه می‌تواند چنین تعلیم روشنی را محکوم یا نقض کند؟ او یک قاضی مدنی بود که عطیه‌ی نبوت داشت، لیکن او در معبد یا نظام لایوان قدرتی نداشت. حال، بیاید ببینیم چگونه پولس رسول در عهد جدید زنی را به خدمت منصوب می‌کند.

"^۳ همچنین زنان پیر، در سیرت متقی باشند و نه غیبت گو و نه بنده‌ی شراب زیاده، بلکه معلّمات تعلیم نیکو،^۴ تا زنان جوان را خرد بیاموزند، که شوهردوست و فرزنددوست باشند،^۵ و خرد اندیش و عقیفه و خانه‌نشین و نیکو و مطیع شوهران خود، که مبادا کلام خدا متهم شود." تیطس ۲: ۳-۵

زنان مسن‌تر باید معلم امور نیکو باشند. آنها باید به چه کسانی تعلیم دهند؟ آنها می‌توانند به خواهران جوان‌تر تعلیم دهند. نه در یک جلسه‌ی کلیسایی، بلکه در خلوت، جایی که هیچ مردی حاضر نیست. آن زن مسن چه چیزی را باید به خواهر جوان تعلیم دهد؟ آنها باید به زنان جوان تعلیم دهند که هوشیار باشند و سیرت ایمان داشته باشند. با تشخیص و درک کتاب مقدسی خوب فکر کنید. سپس به آنها بیاموز که شوهر دوست و فرزند دوست باشند. آنها می‌توانند شیوه‌ی دوست داشتن و مراقبت از خانواده را آموزش دهند. باید به آنها تعلیم دهند که خردمند باشند، به این معنی که در زندگی به اعتدال رفتار کنند. آنها باید به زنان جوان آموزش دهند که عقیفه باشند و به شوهرشان وفادار باشند. آنها باید به زنان جوان آموزش دهند که خانه‌نشین باشند، نیکو باشند و از شوهر خود اطاعت کنند. اگر به همه‌ی اینها نگاه کنیم، این تعلیمی که خواهران مسن‌تر یا باتجربه‌تر باید انجام دهند، برای تشویق آنها جهت پیروی از کلام خدا در زندگی شخصی‌شان است. این تعلیم بر اساس داکترین نمی‌باشد. به عنوان مثال، آنها نباید به زنان جوان در مورد الوهیت یا هفت مَهر تعلیم دهند. آنها باید زنان جوان را در مسائل کاربردی و عملی زندگی خداشناسانه تعلیم دهند.

"^۱ و خواهر ما فیبی را که خادمه کلیسای در کَنخَرِیَا است، به شما می‌سپارم^۲ تا او را در خداوند بطور شایسته‌ی مقدّسین بپذیرید و در هر چیزی که به شما محتاج باشد او را اعانت کنید، زیرا که او بسیاری را و خود مرا نیز معاونت می‌نمود." رومیان ۱۶:۱-۲

خواهر فیبی^۱ خادمه کلیسایی در کَنخَرِیَا بود. کلمه‌ی خادمه را می‌توان به طرق مختلف درک کرد. باید پس زمینه‌ی این دو آیه را دیده و همچنین پس‌زمینه‌ی ادامه‌ی متن پولس را ببینیم. در واقع این خود پولس بود که دو بار به‌طور واضح توضیح داد که زنان نباید در خدمت موعظه و تعلیم باشند. آنها می‌توانند در مورد امور آینده نبوت کنند و در عموم دعا کنند، اما نمی‌توانند در عموم، در تعلیم و مباحث داکترینی نقش داشته باشند. آنها باید از شوهر خود پرسند و در خانه بیاموزند. بنابراین، ما در این متن به خواهر فیبی نگاه می‌کنیم که خادمه کلیسا است. از این آیات به وضوح به نظر می‌رسد که او در حال سفر از کَنخَرِیَا به رُم است، پولس او را می‌ستاید و مراقبت از کلیسای رُم را به دست او می‌سپارد. تصور می‌شد که او در حال سفر به رُم است و به همین دلیل پولس رسول این نامه را همراه او به آن کلیسا فرستاد. کلمه‌ی «خادمه» در این آیه از یک شماس سخن می‌گوید. نقش یک شماس در کلیسای اولیه، آوردن خوراک بر روی میز و مراقبت از فقیران و نیازمندان در کلیسا بود. فیبی یک شماس زن بود، که مسئول نگهداری زنان فقیر و مسن کلیسا بود. این امر به او اجازه‌ی موعظه یا تعلیم را نمی‌دهد. در عوض او دارای جایگاهی در خدمت به خواهران در کلیسای محلی است.

در طول اعصار، هر رسول یا نبی که یکی از کتاب‌های کتاب مقدس را نگاشته، یک انسان بود. عیسی ۱۲ شاگرد و ۷۰ یار برگزید، همه‌ی آنها انسان بودند. اگر قرار بود که یک زن، واعظ یا معلم باشد، مطمئناً یکی از کتاب‌های کتاب مقدس را یک زن

^۱ Phebe

نگاشته بود و یا یکی از شاگردین مسیح، زن می‌بود. در عوض از پیدایش تا مکاشفه، به واضح است که فقط مردان برای موعظه کردن فراخوانده شده‌اند. بنابراین خواهانی که موعظه می‌کنند، این عمل آنها بر خلاف کلام و اراده‌ی خدا است.

حاکمیت خدا

کتاب مقدس و پیغام زمان آخر به وضوح حاکمیت مطلق خدا را نشان می‌دهند. خداوند تمام چیزهایی را اتفاق افتاده یا خواهد افتاد، حاکمانه مقرر کرده است. هیچ چیز خارج از کنترل او نیست، هیچ چیز نمی‌تواند هدف او را متوقف یا تغییر دهد. بیایید کتاب مقدس را بررسی کنیم و این فکر را گسترش دهیم.

"اما خدای ما در آسمان‌هاست. آنچه را که اراده نمود، به عمل آورده است."

مزامیر ۳:۱۱۵

خدا هر کاری را که اراده کند، انجام می‌دهد. هیچ کس نمی‌تواند در انجام آنچه که او انتخاب می‌کند، تاثیر بگذارد. برادر برانهام می‌گوید: "خدا در اعمالش حاکم است."^۲ هیچ‌یک از کارهایی که من، شما، شیطان یا هر کس دیگری انجام می‌دهد، روی کاری که خدا اراده کرده تاثیر نمی‌گذارد. هیچ مخلوق یا انسانی نمی‌تواند نقشه‌ی خدا را تغییر دهد. او هدف خود را در جهان انجام می‌دهد و به انتها می‌رساند، تمام.

"مشورت خداوند قائم است تا ابدالآباد؛ تدابیر قلب او تا دهرالدّهور." مزامیر

۱۱:۳۳

^۲ 65-0221E، این ملک‌صدق کیست؟، برادر ویلیام ماریون برانهام

کلمه‌ی «مشورت» به معنای «نصیحت» است و آن کلمه دلالت بر یک نقشه دارد. بنابراین نقشی خداوند تا ابد پایدار است. خدا نقشه‌اش را آماده کرده و هرگز از آن منحرف نمی‌شود. هرگز آن را تغییر نمی‌دهد و هرگز آن را عوض نمی‌کند. انتخاب‌ها و تصمیم‌های ما دقیقاً در راستای مشورت و تدابیر قلب او قرار می‌گیرد. چنین نیست که او انتخاب‌های ما را دیده و سپس آنها را مقرر می‌سازد، بلکه او همه چیز را مقرر می‌سازد و انتخاب‌های ما در راستای آن قرار می‌گیرد.

"تمامی کارهای خدا حاکمانه است. افراد بسیاری امشب بر روی سکو شفا می‌یابند، و بسیاری نیز شفا نمی‌یابند. همه‌ی اینها در حاکمیت خدا قرار دارد. چه کسی می‌تواند به او بگوید چه کاری انجام دهد؟ هیچ‌کس. او بر اساس اراده و نقشه‌ی خود عمل می‌کند."^۳

ما نمی‌توانیم به افکار و نقشه‌ی او چیزی بیفزاییم، نمی‌توانیم آنها را تغییر دهیم، او همه را بر اساس نقشه‌ی حاکمانه‌ی خود انجام می‌دهد.

"آخر را از ابتدا و آنچه را که واقع نشده از قدیم بیان می‌کنم و می‌گویم که اراده من برقرار خواهد ماند و تمامی مسرت خویش را بجاخواهم آورد." اشعیا ۴۶:۱۰

اینکه خدا از ابتدا بیان می‌کند که در انتها چه رخ می‌دهد، صرفاً نشان دهنده‌ی این نیست که او می‌داند چه اتفاقی روی خواهد داد. همان‌طور که شما در انتهای آیه می‌بینید، می‌گوید که اراده‌ی او، که همان نقشه‌ی اوست برقرار خواهد ماند. این امر که نقشه او برقرار خواهد ماند، نشان دهنده‌ی این است که باقی خواهد ماند، واقع خواهد

^۳ ۶۵-۴۶، اثبات کلام او، برادر ویلیام ماریون برانهام

شد، توسط هیچ چیزی تغییر نخواهد کرد. همچنین می‌گویند که خدا تمامی مسرت خویش را بجا خواهد آورد. هیچ چیز نمی‌تواند مانع یا بازدارنده‌ی مسرتی باشد که خدا می‌خواهد به انجام برساند. بیایید ببینیم برادر برانهام چه گفته است:

"تولد شما از پیش تعیین شد. به گمانم به این ایمان دارید. هر یک از شما می‌دانید که تولدتان از پیش تعیین شده بود. آیا می‌دانستید که اینجا بودن شما هرگز ناشی از یک تفکر و با یک افسانه نیست؟ همه چیز پیش از بنیان عالم توسط خدا از پیش تعیین شده بود، تا شما امشب اینجا باشید."^۴

همه چیز نشان دهنده‌ی این است که تمام چیزهایی که واقع شده یا واقع خواهد شد، از پیش تعیین شده است. او این نقشه و هدف را پیش از آفرینش جهان ساخت. او حتی کوچک‌ترین جزئیات را برنامه‌ریزی کرد، تا جایی که او برنامه‌ریزی کرد آن مردم در آن جلسه خواهند بود و به موعظه‌ی برادر برانهام گوش خواهند داد.

"و از میان بنی‌آدم رانده شده، دلش مثل دل حیوانات گردید و مسکنش با گورخران شده، او را مثل گاوان علف می‌خورانیدند و جسدش از شبنم آسمان تر می‌شد؛ تا فهمید که خدای تعالی بر ممالک آدمیان حکمرانی می‌کند و هر که را می‌خواهد بر آن نصب می‌نماید." دانیال ۲۱:۵

در اینجا می‌خوانیم که تمامی حکام، رئیس‌جمهورها، نخست‌وزیرها، پادشاهان یا ملکه‌ها توسط خدا منصوب می‌شوند. هر حاکم دنیا، خوب یا بد، توسط خدا برنامه‌ریزی شده است تا مسرت و هدف او بر روی زمین به انجام رسد. به آنها رای داده

^۴ ۱۲۰۵-۶۵، اموری که باید واقع شوند، برادر ویلیام ماریون برانهام

شده، یا در خاندان پادشاهی برای منصب حکومت به دنیا آمده‌اند. اما حقیقت این است که خدا آن‌طور که می‌خواهد، آنها را بعنوان حکام منصوب می‌کند.

"اما من به آواز تشکر برای تو قربانی خواهم گذرانید، و به آنچه نذر کردم وفا خواهم نمود. نجات از آن خداوند است." یونس ۹:۲

در اینجا می‌بینیم که نجات از انتخاب‌ها، اراده‌ی آزاد، افکار ما، ایده‌ها یا نقشه‌ی ما نیست. نجات از آن خداوند است. او آغاز می‌کند، ادامه می‌دهد و روند نجات را به پایان می‌رساند و کاری از دست ما برای تغییر دادن و متوقف کردن نقشه‌ی او بر نمی‌آید. او نقشه می‌کشد، هدف را تعیین می‌کند و آن را به انجام می‌رساند.

"پدید آورنده‌ی نور و آفریننده‌ی ظلمت. صانع سلامتی و آفریننده بدی. من یهوه صانع همه این چیزها هستم." اشعیا ۷:۴۵

خداوند صانع سلامتی و بدی است. او تمامی این کارها را انجام می‌دهد. حال ما می‌دانیم که خدا مسئول بدی نیست، اما خدا اجازه می‌دهد که بدی، اهدافش را به انجام برساند. خدا سقوط انسان را مقرر کرد و او همچنین رستگاری انسان را مقرر کرد.

"^{۱۸} بنابراین هر که را می‌خواهد رحم می‌کند و هر که را می‌خواهد سنگدل می‌سازد. ^{۱۹} پس مرا می‌گویی، دیگر چرا ملامت می‌کند؟ زیرا کیست که با اراده‌ی او مقاومت نموده باشد؟ ^{۲۰} نی بلکه تو کیستی ای انسان که با خدا معارضه می‌کنی؟ آیا مصنوع به صانع می‌گویند که چرا مرا چنین ساختی؟ ^{۲۱} یا کوزه‌گر اختیار بر گل ندارد که از یک خمیره ظرفی عزیز و ظرفی ذلیل بسازد؟" رومیان ۹:۱۸-۲۱

خدا انتخاب می‌کند که برخی از قلب‌ها را سخت سازد و انتخاب می‌کند که بر

دیگران رحم کند. در آیه‌ی ۱۹، سوال این است که اگر خدا مقرر ساخته که مردم چنین باشند، پس چرا آنها را به عنوان گناهکاران داوری می‌کند؟ پاسخ پولس این است که تو کیستی که با خدا معارضه کنی؟ اگر خدا شخصی را به شیوه‌ی خاصی شکل داده است، کار ما داوری کردن او نیست. بیایید بیشتر بخوانیم.

"^{۲۲} و اگر خدا چون اراده نمود که غضب خود را ظاهر سازد و قدرت خویش را بشناساند، ظروف غضب را که برای هلاکت آماده شده بود، به حلم بسیار متحمل گردید،"^{۲۳} و تا دولت جلال خود را بشناساند بر ظروف رحمتی که آنها را از قبل برای جلال مستعد نمود." رومیان ۹: ۲۲-۲۳

خدا به این دلیل برخی از قلب‌ها را سخت کرد تا غضب خود را ظاهر سازد و قدرت خویش را بشناساند. راه دیگر برای توضیح دادن، این است که خدا درون خود دارای صفاتی بود که بر اساس ذات خودش باید ظاهر می‌ساخت. یکی از آن صفات این است که او غضبناک است و صفت دیگر او این است که او رحیم است. برای اینکه او صفت غضب خود را نشان دهد، باید یک ظرف غضب با قلبی سخت، مقرر می‌کرد. و برای اینکه خدا بطور مناسب رحمت خود را نشان دهد، باید یک ظرف غضب در آنجا می‌بود تا ظرف رحمت بتواند عظمت رحمت خدا بر آنها را مکشوف کند. بنابراین نتیجه می‌گیریم که خدا کاملاً در نقشه و اهدافش برای خلقتش حاکم مطلق است. در حقیقت ما می‌توانیم در حاکمیت مطلق خدا آسوده خاطر باشیم. هر اتفاقی، برای هدفی در زندگی ما روی می‌دهد. خدا می‌خواهد از طریق آزمایش‌ها، دردها و محرومیت‌هایی که ما تجربه می‌کنیم، کاری را برای ما انجام دهد. درست مانند والدین که وقتی می‌بینند بچه‌ها دارند به شخصیت خودشان صدمه وارد می‌کنند، امکانات و امتیازهای آنها را قطع می‌کنند. خدا نیز چیزهای مختلفی را از زندگی ما حذف می‌کند تا ما بتوانیم بیشتر شبیه او باشیم. اگر دردهای زمان حال را که توسط پدر آسمانی

خردمند و دوست داشتنی به ما داده شده است، با آتش‌های جهنم که گناهانمان ما را به آنجا می‌برد، مقایسه کنیم؛ متوجه می‌شویم که در واقع درد کشیدن ما هدیه‌ای برای مطابق کردن شخصیت و قلب ما با خداست. دوماً ما می‌توانیم در هر آزمایشی اطمینان داشته باشیم که خدا کنترل را در دست دارد و به صلاح ماست. همان‌طور که رومیان ۲۸:۸ به ما می‌گوید. داستان در مورد یک مسیحی است که در زمان‌های بسیار دور در یک کشتی با بی‌ایمانان همراه بود. کشتی وارد طوفان عظیمی شد، که نزدیک بود آن را غرق کند. تمام بی‌ایمانداران ترسیدند و وحشت کردند. آن مرد مسیحی شاد به کارش ادامه داد، گویی اتفاقی نیفتاده بود. بی‌ایمانان از این مرد مسیحی پرسیدند: "چرا این چنین شاد هستی، درحالی‌که نزدیک است ما در این دریا هلاک شویم؟" آن مرد مسیحی گفت: "چطور می‌توانم ترسان باشم، وقتی که پدرم ناخدای این کشتی است؟"

در موضوعات آینده‌ی حقیقت حال حاضر به تعالیم برگزیدگی، امنیت ابدی و شرارت انسان خواهیم پرداخت.

"اگر چیزی از سوی خدا می‌آید، باید مطابق کلام باشد، چون به منظور به اثبات رساندن حضور خدا می‌باشد. او تمام این چیزها را از پیش می‌دانست. هرچه باشد... او با پیش‌آگاهی خود مقرر فرمود، از پیش هر عصری را در جایگاه خود مقرر فرمود، (این کلمه در کتاب مقدس «از پیش مقدر شده» خوانده شده است)، هر انسانی را در جای خود مقرر فرمود و پیغام‌آوری را در جای خود مقرر فرمود. او خداست، شیطان هیچ قدرتی بر او ندارد. او خداست، او مقرر کرده که همه چیز واقع گردد و درست در تطابق با کلام او قرار گیرد." °

° ۱۲۰۶-۶۵، رویدادهای امروزی توسط نبوت آشکار شده‌اند، برادر ویلیام ماریون برانهام

مکاشفه ۷:۱۰، پیغام‌آور دوره‌ی کلیسا در مقابل مکاشفه

۱۵:۱۱، صدای کرنا‌ی فرشته‌ی هفتم

"بلکه در ایام صدای فرشته‌ی هفتم، چون کرنا را می‌باید بنوازد، سرّ خدا به اتمام خواهد رسید، چنانکه بندگان خود انبیا را بشارت داد." مکاشفه ۷:۱۰

"و فرشته‌ای بناوخت که ناگاه صداها‌ی بلند در آسمان واقع شد که می‌گفتند، سلطنت جهان از آن خداوند ما و مسیح او شد و تا ابد‌الآباد حکمرانی خواهد کرد."

مکاشفه ۱۵:۱۱

در این قسمت می‌خواهم این دو آیه را با دقت مورد بررسی قرار دهم. در مکاشفه ۷:۱۰ ارجاعی به فرشته‌ی هفتم را می‌یابیم و بار دیگر در مکاشفه ۱۵:۱۱. چندین گروه از فرشتگان در کتاب مکاشفه وجود دارد. در آنجا هفت فرشته‌ی کرنا، هفت فرشته‌ی پیاله و هفت فرشته‌ی کلیسا وجود دارند. ما می‌توانیم مطمئن باشیم که هفت فرشته‌ی کرنا و پیاله، روح بودند. (عبرانیان ۷:۱) دلیلش هم این است که در مکاشفه ۱:۱۵ یوحنا علامتی را در آسمان می‌بیند و این همان هفت فرشته هستند که پیاله‌های آخر را که با غضب خدا پر شده‌اند، دارند. او آنها را در آسمان، یعنی در یک بعد دیگر دید. همچنین ما می‌توانیم مطمئن باشیم که هفت فرشته‌ی کرنا نیز، روح هستند. مکاشفه ۲:۸ می‌گوید این هفت فرشته در حضور خدا قرار می‌گیرند. همان‌طور که عیسی در مودر فرشتگان گفت، که آنها روی پدر را که در آسمان است می‌بینند. (متی ۱۸:۱۰) اگرچه، هفت فرشته‌ی هفت کلیسا در مکاشفه باب ۲ و ۳ مطمئناً انسان هستند. مکاشفه ۲:۱، ۸، ۱۲، ۱۸، ۱۳:۱، ۷، ۱۴ همگی می‌گویند: "به فرشته‌ی کلیسا در ... بنویس که ..." می‌توانیم مطمئن باشیم که یوحنا این نامه را برای فرشتگانی با ماهیت روح نمی‌نوشت.

توجه: لغت‌نامه‌ی استرانگ اشاره می‌کند کلمه‌ی فرشته که در این متن به کار رفته، برگرفته از عبارت «انجلوس» می‌باشد. (احتمالاً از G۷۱ برگرفته شده؛ برای اطلاع بیشتر با G۳۴ مقایسه کنید).^۶ یک پیغام آور؛ بخصوص یک «فرشته»؛ به طور ضمنی یک شبان: فرشته‌ی پیغام آور.

هر کلیسایی یک پیغام آور داشت و احتمالاً این شبان هر کلیسا نوشته شده. اگرچه در معنای گسترده‌تر، از آنجا که ما شاهد هیچ‌گونه پیش‌آگاهی نبوتی در مورد کلیسا نمی‌باشیم، هر کدام از این کلیساها در آسیای صغیر نشان دهنده‌ی یک دوره‌ی کلیسایی می‌باشند. بنابراین، در معنای گسترده‌تر، این شبانان و پیغام‌آوران کلیساهای محلی، در مورد پیغام‌آورانی صحبت می‌کنند که شخصیت‌های برجسته‌ی شبان یا نبی، در آن دوره‌های کلیسا می‌باشند.

حال برخی می‌گویند هفت فرشته‌ای که در مکاشفه ۷:۱۰ از آن صحبت شده است، همان فرشتگان کرنا می‌باشند. حال بیایید بطور کلی به کتاب مکاشفه نگاه کنیم، بخصوص برای بررسی مهرها و کرناها. مکاشفه باب ۶ از این شش مهر صحبت می‌کند و سپس ما شاهد رویدادی توضیحی در مکاشفه باب ۷ هستیم و سپس از هفت مهر تا مکاشفه ۱:۸ سخنی گفته نمی‌شود و تنها می‌گوید هفت مهر گشوده شده و خاموشی قریب به نیم ساعت در آسمان واقع شد. سپس هفت کرنا اعلام می‌شوند و ما تنها پیش آمدن شش کرنا را می‌بینیم. سپس یک توضیح دیگر در مکاشفه ۱۰ وجود دارد و تا مکاشفه ۱۱ ادامه می‌یابد، جایی که هفت کرنا نواخته می‌شوند، که در واقع منتهی به آخرین غضب خدا و انتقال ملکوت‌ها به خدا و مسیح می‌شود.

^۶ شماره‌ی ارجاع کلمات در لغتنامه‌ی استرانگ برای مراجعه خواننده.

بنابراین، مکاشفه باب ۷ و ۱۰ یک توضیح هستند. پس این رویدادها چه هستند و به کجا تعلق دارند؟ مکاشفه ۱:۸ که در مورد باز شدن هفت مهر است، صرفاً در مورد یک خاموشی در آسمان صحبت می‌کند و هیچ سرنخی برای درک معنای آن به دست ما نمی‌دهد. مکاشفه ۱۰ فرشته زورآوری را به ما نشان می‌دهد که همراه با یک کتابچه نازل می‌شود، یک اشاره واضح به دانیال ۸:۱۲-۱۰، و سپس در مورد فرشته‌ای صحبت می‌کند که سرّ خدا را به اتمام می‌رساند. آیا این فرشته‌ی هفتم کرنا است؟ در برخی از ترجمه‌های کتاب مقدس، گفته‌اند که او فرشته‌ی کرنا است، اما این به دلیل برداشت اشتباه در مورد کلمه‌ی «نواختن» است، که می‌تواند در مورد یک «کرنا» مجازی یا تحت‌اللفظی سخن گفته باشد. توجه کنید که در مکاشفه 10:1 می‌گوید که یوحنا **"آوازی بلند چون صدای کرنا"** کرنا را شنید و سپس این صدای کرنا گفت: **"من الف و یا هستم..."** ما در مکاشفه ۷:۱۰ بر اساس متن می‌بینیم که این فرشته‌ی زورآور همراه با یک کتابچه‌ی باز نزول می‌کند. فرشته‌ی هفتم مکاشفه، سرّ خدا را به اتمام می‌رساند. در کتاب دانیال ۸:۱۲-۱۰ دانیال نتوانست آن رویا را درک کند و فرشته‌ی زورآور به او گفت که این کلام تا زمان آخر مختم شده است. سپس در آیه‌ی ده نشان می‌دهد که بر روی زمین مردمانی خواهند بود، که حکیمان خوانده خواهند شد، آنها طاهر و سفید و مصفی خواهند گردید و آنچه را که از دانیال مخفی بود، خواهند فهمید. و او آن را به مردم زمین آشکار خواهد ساخت. خدا چگونه کلامش را به مردم آشکار می‌سازد؟ از طریق فرشتگان آسمانی یا پیغام‌آوران زمینی؟ بنابراین می‌بینیم که این پیغام‌آور باید یک پیغام‌آور زمینی باشد، تنها یک جای دیگر در مورد پیغام‌آور زمینی صحبت شده که در رابطه با هفت کلیسای آسیا می‌باشد. بنابراین، او باید پیغام‌آور دوره‌ی هفتم کلیسا باشد، که سرّ خدا را آشکار خواهد ساخت، سرّی که از ایام دانیال مخفی بود و هم اکنون آشکار شده است. ابزار این گشوده شدن توسط نزول آن فرشته‌ی زورآور از آسمان می‌آید و او این مکاشفه‌ی سرّ را از طریق پیغام‌آور دوره‌ی هفتم کلیسا، ویلیام برانهام

می‌دهد. مکاشفه ۱۵:۱۱ در مورد نواخته شدن کرنا توسط فرشته‌ی هفتم است و این کار در آسمان انجام شده است. به یاد داشته باشید که این در مورد انتقال پادشاهی از این دنیا به مسیح است. در بخش ۱۶:۱۱ می‌گوید او در آسمان سخن می‌گوید نه بر روی زمین. مکاشفه ۱:۱۰-۳ نشان می‌دهد که این کتابچه‌ی گشوده شده بر روی زمین سخن خواهد گفت. بنابراین فرشته‌ی هفتم در مکاشفه ۱۰:۷ پیغامی را به زمین می‌آورد. فرشته‌ی هفتم در مکاشفه ۱۵:۱۱ کرنا را می‌نوازد و به مردم آسمان هشدار می‌دهد، در نتیجه شما می‌توانید این صدای بلند را در آسمان بشنوید و آن بیست و چهار پیر به روی درافتاده و پرستش خدا را رهبری خواهند کرد. ما در مکاشفه ۱۰:۷ اتمام سر خدا را که در کتاب مختوم شده بود، می‌بینیم و این باید برای مردم زمین انجام شود. مکاشفه ۱۵:۱۱ به وضوح به وضوح از یک فرشته‌ی آسمانی صحبت می‌کند و مکاشفه ۱۰:۷ بر اساس الگوی تغییرناپذیر خدا، از یک پیغام‌آور زمینی که از طرف خدا فرستاده شده و حامل یک پیغام است، صحبت می‌کند. من این موضوع و نسخه‌ی خدمت حقیقت حاضر این ماه را با نقل قولی از برادر برانهام در این مورد به اتمام خواهم رساند.

"مکاشفه ۱۰ می‌گوید: "پیغام فرشته‌ی هفتم." حال به یاد داشته باشید، این درست در کرنا هفتم است، و هفت فرشته، هفت کرنا را می‌نوازند. و این چیزی است که رخ خواهد داد. اما به یاد داشته باشید، کلام به طور خاص گفته «فرشته...» نه کرنا فرشته‌ی هفتم، بلکه «پیغام فرشته‌ی هفتم». ببینید، نه فرشته‌ی کرنا، فرشته‌ی پیغام! ببینید، آن فرشته، تنها آن کرنا را نواخت، آن فرشته‌ی هفتم. فرشته‌ی کرنا این بود، در ایام پیغام فرشته هفتم؛ می‌بینید، هنگامی که پیغام او اتمام یافته بود. متوجه می‌شوید؟ این پیغام این دوره‌ی کلیسا است. و این بار، او... پیغام، نه کرنا، و «سر خدا (که در کلام آمده است) به اتمام خواهد رسید.»^v

^v ۶۳-۸۱۸، زمان اتحاد و علامت، برادر ویلیام ماریون برانهام

با تشکر از عضویت شما در «خدمت حقیقت حاضر»، که در حال انجام خدمات
بشارتی در خاورمیانه می‌باشد. هدف ما موعظه‌ی پیغام زمان آخر، در هر مکانی است
که خداوند ما را فرامی‌خواند. دعاها و حمایت شما، ما را قادر به انجام این امر خواهد
ساخت. شما می‌توانید به سایت peygham.net رفته و خدمات در حال پیشرفت ما را
حمایت کنید، یا به این آدرس برای ما نامه بنویسید:

Present Truth Ministries
P. O. Box: 34
Hopkins, MN 55343